

متن پرسش

پیرو پرسش و پاسخ ۴۰۹۳۵ سلام: چرا وقتی شرایطش هست و یا مانعی وجود ندارد (مثلا ضرر مهم جسمی، مریضی، حرام نبودن سفر) «تا آن جا که می شود» نباید روزه مستحبی گرفت؟ [عبارتی که در بعضی دستورهای اخلاقی داده می شود: «مهما ممکن» یا «تا می توانی»] چرا باید کنترل شده روزه گرفت؟ مثلا کسی در شرایطی می تواند اکثر روزها روزه بگیرد چرا از این کار نهی می شود؟ چیزهایی که گفته شده از قبیل موارد زیر است: اقبال و ادبار بی حوصلگی، خستگی، دلزدگی، حالت اجبار، تحمیل بر نفس. رفق و مدارا: ارفاق کردن بر خود، سخت نگرفتن، گول زدن نفس، کمی کم تر از حد توان بودن. سنت: این که به ما رسیده پیامبر هر روز روزه نمی گرفتند. حضور در اجتماعات، مجالس مهمانی لازم مثلا اگر شائبه ریا... باشد * در کتاب های اخلاقی معمولا در بحث شره می گوید چون خاصیت نفس حالت افراط است توصیه های دین برای کنترل طبع انسان است آیا دلیل کنترل انسان از حالت خمود و تفریط این هم هست که توجه می دهد به دویعدی بودن انسان و این که انسان جسم دارد و باید به آن هم توجه کند. آیا دلایل دیگری هم می توانید بیان کنید. تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه این موارد را که فرمودید باید در نظر گرفت و در عین حال هرکس باید به حال خود نگاه کند که اگر می تواند در ایامی که توصیه به روزه داری شده، از روزه داری بهره مند شود به همان معنایی که توصیه به روزه داری ماه رجب و شعبان و اتصال آن به ماه رمضان شده است و مولایمان حضرت علی «علیه السلام» فرموده باشند پس از این توصیه از طریق پیامبر «صلوات الله علیه وآله» هرگز آن روزه داری را ترک نکرده ام. با این همه هرکس باید به خودش و امکانات جسمی و روحی اش بنگرد تا سخت گیری بی جا در میان نباشد. موفق باشید